

Religious democracy, legitimacy of governance and middle class in Iran

Davood Parchami¹, Fatemeh jalali ²

¹ Assistant Professor of Social Sciences, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Dp206Pd@yahoo.com

² Phd of Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Fatemeh2006_j@yahoo.com

Corresponding author: Davood parchami, Dp206pd@yahoo.com

Copyright © 2020 The First National Congress of Governance. All rights reserved.

Abstract.

Religious democracy is a form of governance in Islamic society in which the majority's vote is within the framework of religion. In this political system, like many systems, the opinion of the people and the acceptance of the system are very important. In societies there are groups whose their tendencies and views are more important about the way of governing and other social issues. Middle class, due to its cultural, social and occupational capital, can have a greater impact on society and the political system. This class has the ability to spread its desires, expectations and perceptions in society. Low evaluation of the religious democracy system's effectiveness by the middle class and their Rejection the values in this system due to its structural position can be one of the challenges in the field of legitimacy of the Islamic political system; can be extended to other classes of society. The purpose of this study is to identify the legitimacy of the system and the factors which affecting the legitimacy within the middle class. The information was obtained through a survey that was conducted in Tehran and the middle class and different categories were identified based on the scientific criteria. The results of the research indicate that Acceptance of the system's values, satisfaction of the country's situation, perception of limited opportunities and perception of improving conditions are effective on the legitimacy of the political system within this class

Keywords: New middle class, democracy, religious democracy, legitimacy, effectiveness.

مردم سالاری دینی، مشروعیت حکمرانی و طبقه متوسط در ایران

داود پرچمی¹، فاطمه جلالی²

1 - عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

2- دکتری جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده.

مردم سالاری دینی یک شیوه اداره در جامعه اسلامی است که در آن رای اکثریت در چارچوب دین مطرح است. در این نظام سیاسی مانند بسیاری از نظام‌ها، نظر مردم و مقبولیتی که آن‌ها برای آن قائلند بسیار مهم است. در جوامع گروه‌ها و اقشاری وجود دارند که گرایش‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها نسبت به شیوه حکومت و سایر مسائل اجتماعی تاثیرگذارتر است. طبقه متوسط به دلیل برخورداری از سرمایه فرهنگی، اجتماعی و شغلی خاص خود می‌تواند تاثیرگذاری بیشتری در جامعه و نظام سیاسی داشته باشند، این طبقه توانایی انتشار خواسته‌ها، انتظارات و برداشت‌های خود را در سطح جامعه دارد. ارزیابی پایین از تحقق کارآمدی نظام مردم سالاری دینی از طرف طبقه متوسط و عدم همسویی آن‌ها با ارزش‌های مطرح در این نظام با توجه به موقعیت ساختاری آن می‌تواند از جمله چالش‌های مطرح در حوزه مشروعیت نظام سیاسی اسلامی باشد که قابل تسری به سایر طبقات جامعه نیز هست. با هدف بررسی وضعیت مشروعیت نظام و عوامل موثر بر آن در طبقه متوسط پیمایشی در شهر تهران انجام و بر اساس ملاک‌های علمی طبقه متوسط و دسته‌بندی‌های مختلف در درون آن شناسایی شد. بررسی‌ها نشان داد، همسویی با ارزش‌های نظام، رضایت از وضع کشور، ادراک محدودیت فرصت و ادراک بهبود شرایط بر روی پذیرش مشروعیت نظام در این طبقه موثر است.

کلیدواژگان: طبقه متوسط جدید، مردم سالاری، مردم سالاری دینی، مشروعیت، کارآمدی

۱- مقدمه

مردم‌سالاری دینی شیوه‌ای از اداره جامعه است که در آن مردم در چارچوب دین و آموزه‌های دینی انتخاب می‌کنند و سرنوشت اداره‌ی کشور را به وسیله‌ی منتخبان خودشان در اختیار دارند. مشروعیت چنین حکومتی مانند هر حکومت دیگری تنها در لحظه شکل‌گیری آن معنا پیدا نمی‌کند بلکه در طول زمان و به صورت متناوب می‌بایست مشروعیت خود را تولید و بازتولید کند. مشروعیتی که در کنار بحث حاکمیت الهی و خدامحوری، تحت تأثیر کارآمدی و همسویی ارزش‌های مردم با نظام سیاسی نیز هست. حرکت کارآمد نظام اجتماعی و سیاسی به منظور برآورده کردن نیاز اعضای جامعه و تقویت ارزش‌های همسو می‌تواند در افزایش رضایت و در نهایت مشروعیت نظام سیاسی بسیار موثر باشد. بررسی‌های اخیر در مورد جنبش‌های جدید اجتماعی و تغییرات و مطالبات سیاسی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که طبقه متوسط به ویژه طبقه متوسط جدید از جمله نیروهای تأثیرگذار در عرصه تحولات سیاسی و اجتماعی و تثبیت و تأیید شرایط سیاسی جوامع است از این رو رضایت از نظام و پذیرش مشروعیت و مقبولیت آن از طرف طبقه متوسط بسیار مهم است.

طبقه‌ی متوسط از لحاظ گستره جمعیتی، سطح سرمایه فرهنگی، اجتماعی و سرمایه شغلی ویژگی‌های خاص خود را داراست و همین امر موجب می‌شود که دارای تأثیرگذاری بالایی باشد و بتواند نقش محوری در ایجاد تغییرات و بیان مطالبات اجتماعی بازی کند. ارزیابی‌ها و مطالبات این طبقه در حوزه‌های مختلف به دلیل جایگاه ساختاری و بهره‌مندی از سرمایه‌های لازم می‌تواند در نظام اجتماعی فراگیر شده و سرمنشاء تغییرات و حرکت جامعه به سوی نظم، بی‌نظمی و یا نظم جدید باشد.

ارزش‌ها، باورها و هنجارهایی که در فرایند جامعه‌پذیری و تحصیلات اعضای این طبقه درونی می‌شوند و ساختارهای اجتماعی و سیاسی جامعه و چگونگی وضع اداره کشور در انطباق با آن ارزش‌ها و هنجارها، می‌تواند رابطه میان خواسته‌های طبقه متوسط و واقعیات در نظام اجتماعی و سیاسی را مشخص کند و عدم انطباق آن‌ها می‌تواند زمینه برای نارضایتی و کاهش مشروعیت نظام از دیدگاه این طبقه را فراهم کند. در مردم‌سالاری دینی، طبقه متوسط و بزرگ شدن آن در صورتی که از لحاظ ارزشی طبقه متوسط در این چارچوب باشد و یا نباشد می‌تواند همراهی و یا چالش‌هایی را برای نظام به همراه داشته باشد. بنابراین مهم است که طبقه متوسط با کدام بینش، گرایش و ارزش‌ها وجود دارد و در حال بزرگ شدن است و آیا نظام سیاسی و اجتماعی به قدری کارآمد بوده که بتواند این بخش از جامعه را مطابق ارزش‌های خود جامعه‌پذیر و نیازهای آن را تامین کند. این امر به ویژه در شرایطی که جهت و روند تغییرات جهانی به سمت ارزش‌های سکولار است و طبقه متوسط به دلیل تحصیلات و رسانه‌های در دسترس امکان تأثیرپذیری بیشتری از سوی آنان را دارد، بسیار مهم است.

۱- چهارچوب نظری

۱-۲- مردم‌سالاری دینی

واژه "مردم‌سالاری دینی" اصطلاح تازه‌ای در گفتمان سیاسی دنیاست که برخلاف واژه‌هایی چون جمهوری اسلامی، پارلمان اسلامی و ... که همگی ترکیب‌هایی هستند از یک مفهوم غربی به علاوه یک قید اسلامی، در بستر مبانی سیاسی اسلام و متأثر از آموزه‌های نبوی و علوی است (فیاض، ۱۳۸۰: ۴۳). این اصطلاح دینی توسط رهبر انقلاب به کار برده شده است، ایشان در تعریف این مفهوم می‌گویند: ((در نظام اسلامی، رأی، خواسته و عواطف مردم، تأثیر اصلی را دارد و نظام اسلامی بدون رأی و خواست مردم تحقق نمی‌یابد. امروز مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران، حرف نو و جدیدی است که توجه بسیاری از ملت‌ها، شخصیت‌ها و روشنفکران عالم را به سوی خود جلب کرده است. این مردم‌سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. این یک چیز دیگر است. اولاً مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ این‌طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم؛ نه، خود این مردم‌سالاری هم متعلق به دین است.)) [۱].

همانطور که اشاره شد مردم‌سالاری دینی و غربی دارای تفاوت‌های بنیادینی هستند که مشهورترین آن‌ها این است که دموکراسی دارای خاستگاهی اومانیستی است، ولی مردم‌سالاری دینی فقط در قالب و بستر جهان‌بینی الهی قابل طرح است (عیوضی، ۸۹: ۲۹۱). ((در مردم‌سالاری دینی رأی اکثریت مشروط به آنکه در چارچوب دین باشد مورد توجه قرار می‌گیرد در نظام اسلامی - یعنی مردم‌سالاری دینی- مردم انتخاب می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره‌ی کشور را به وسیله‌ی منتخبان خودشان در اختیار دارند؛ اما این خواست و انتخاب و اراده در سایه‌ی هدایت الهی، هرگز به بیرون جاده‌ی صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود)) [۲].

در بررسی‌های مختلف و بیانات رهبری، مردم‌سالاری دینی دارای دو وجه قابل توجه است، ((که یک وجه آن نقش مردم در تشکیل

حکومت و انتخاب مسئولان و وجه دیگر آن رسیدگی به مشکلات مردم است که بر همین اساس، مسئولان باید مشکلات مردم را به طور جدی پیگیری و رسیدگی نمایند» [۳]. در مردم سالاری دینی انتخابات یک حق و تکلیف است. تعامل بین انتخاب شونده و انتخاب کننده مبتنی بر حق و تکلیف است از یک طرف در مردم سالاری دینی حضور در انتخابات و انتخاب کردن یک تکلیف است و تکلیفی را نیز بر دوش انتخاب شونده می‌گذارد. انتخاب شونده‌ها می‌بایست به وعده‌ها عمل کنند و متعهد به کارآمدی و ارزشمندی باشند. در مردم سالاری دینی حق و تکلیف و ادای آن بر گردن هر دو طرف است. نکته دیگری که عموماً مغفول می‌ماند آن است که انتخاب‌کنندگان حق و تکلیف نظارت بر مسئولان منتخبشان را داشته باشند و بر این اساس می‌بایست سازکاری برای اعمال نظارت مردم وجود داشته باشد بی آنکه تحت‌تاثیر انتخاب شونده‌ها باشند.

مردم سالاری دینی را به طور خلاصه می‌توان اینگونه تعریف کرد:

مردم‌سالاری دینی، ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم در چارچوب مقررات الهی استوار است و در راستای حق مداری، خدمت محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی، ایفای نقش می‌کند. این مدل، بر دو پایه استوار است:

۱- از سویی ریشه در آموزه‌های وحیانی دارد.

۲- این آموزه‌ها را از رهگذر خواست و اراده مردم دنبال می‌کند.

از این رو در نظام مردم سالاری دینی، نظام سیاسی بر دو رکن الهی و انسانی استوار است و این نظام با در نظر داشتن اصول اعتقادی اسلام، رابطه مردم و حکومت را تبیین می‌کند [۴].

"مردم‌سالاری دینی" به مثابه یک روش در اداره جامعه اسلامی، دارای اصولی است:

۱- حاکمیت الهی و خدامحوری: خداوند خالق انسان، جهان و منشأ و مصدر همه امور عالم است و به توانایی‌ها و نیازهای انسان واقف است و بر اساس آن، برنامه زندگی انسان را تنظیم و تدوین می‌کند.

۲- رضایت مردم: "در نظام اسلام، کشور متعلق به مردم، و اصل، مردم است" [۵]. رضایتمندی دارای معرف‌هایی نظیر خدمت به مردم و خدمتگزاری خالصانه و بدون منت است.

۳- ارزش‌مداری: مردم‌سالاری دینی در چارچوب اصول و ارزش‌های اسلامی معنا و مفهوم می‌یابد. "مسئولان به نام اسلام، برای اسلام، با پیام اسلام، شجاعانه، قدرتمندانه و بدون ملاحظه از این و آن، هم موضع‌گیری کنند، هم حرف بزنند و هم عمل بکنند." [۶]

۴- حقانیت مردم: "در نظام اسلامی، اداره کشور به معنای حاکمیت کسی یا کسانی بر مردم و حق یک جانبه نیست بلکه حق دو جانبه است و حق طرف مردم، کفه سنگین‌تر آن است". تعبیر فوق با صراحت بر ولی نعمتی مردم دلالت دارد و این که حق مردم در مقام مقایسه با حق کارگزاران به مراتب بیشتر است، بنابراین توجه به خواست و رسیدگی به نیازهای مردم، یک وظیفه است. ۵- قانون محوری: "رعایت همین اصول قانونی است که سلامت مردم‌سالاری را تضمین می‌کند و آن را از افتادن در ورطه‌های خطرناکی که ممکن است به انهدام کل نظام سیاسی منجر شود، باز می‌دارد". توسعه همه جانبه و پیشرفت کشور بدون عدالت، امکان‌پذیر نیست و عدالت تنها با استقرار قانون، تحقق می‌یابد." [۷]

۶- شایسته سالاری: بر اساس شواهد مختلف در منابع اسلامی، بدیهی است که رهبری امت اسلامی و منصب حکومت نیز از مهمترین امانت‌هایی است که تکلیف ما در برابر آن بسیار خطیر و سنگین است.

۷- عنایت به عقل جمعی و اراده همگانی در تصمیم‌سازی‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی [۸-۹].

۲-۲- طبقه متوسط

طبقه متوسط مجموعه‌ای از افراد است که میانگین برخورداری آن‌ها از ترکیب چهار نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و بویژه سرمایه شغلی تقریباً یکسان و مابین دو طبقه پایین و بالا است. این طبقه شامل افرادی است که با توجه به دسترسی متفاوت به منابع با ارزش، سرمایه شغلی و آموزش‌هایی که دیده‌اند گاه دارای ارزش‌ها و مطالبات متفاوتی از دو طبقه دیگر هستند. اکثر کسانی که در زمینه طبقه متوسط کار کرده‌اند به این نکته اشاره کرده‌اند که طبقه متوسط در درون خود همگن نیست و تقسیم‌بندی‌های مختلفی در مورد آن‌ها ارائه داده‌اند. در ادامه به برخی از این دسته‌بندی‌ها خواهیم پرداخت:

۱- در یکی از تقسیم‌بندی‌ها طبقه متوسط به دو نوع طبقه متوسط مادونی یا نیمه‌مرفه^۱ و طبقه متوسط فوقانی یا مرفه^۲ بر می‌خوریم. البته برخی از اعضای طبقه متوسط خود را به عنوان اعضای طبقه کارگر معرفی می‌کنند، این افراد را می‌توان طبقه متوسط حاشیه‌ای^۳ یا طبقه متوسط پایین^۴ دانست. این افراد عموماً کسانی هستند که از درآمد پایینی برخوردار هستند. این طبقه می‌تواند شامل کارمندان دفتری و فروشندگان باشد. تحقیقات همیلتون نشان داد طبقه متوسط پایین عموماً خود از طبقه کارگر بوده‌اند [۱۰].

۲- مهم‌ترین تقسیم‌بندی در درون طبقه متوسط، دسته‌بندی طبقه متوسط قدیم^۵ و طبقه متوسط جدید^۶ است. طبقه متوسط قدیم شامل بازرگانان، کسبه، صنعت‌گران و روحانیون و خرده‌مالکان دهقان است. متخصصین، مدیران و کارمندان و اقشار تحصیل کرده جامعه طبقه متوسط جدید هستند. به عبارتی این طبقه مرکب از افرادی است که قدرت‌شان متکی بر موفقیت شغلی است و در جریان تحصیلات جدید مهارت‌هایی کسب کرده و به کار می‌برند [۱۱]. اعضای این طبقه متکی بر سرمایه فرهنگی و سرمایه شغلی‌شان هستند و از این رو می‌توانند کارهای برجسته و خدماتی قابل توجه را در جامعه انجام بدهند و از این طریق با سایر افراد جامعه ارتباطی تنگاتنگ و همراه با اعتبار و احترام داشته باشند. پزشکان، مهندسان، استادان، نویسندگان، وکلای دعاوی، دیوانیان میان‌پایه و کارشناسان از جمله افراد تشکیل‌دهنده این طبقه هستند. در این طبقه عموماً چهار قشر اصلی روشنفکران، حرفه‌ای‌ها، مدیران و کارمندان را معرفی می‌کنند.

۳- در تقسیم‌بندی دیگر، طبقه متوسط جدید در ایران را می‌توان به دو بخش طبقه متوسط جدید لیبرال (سکولار) و طبقه متوسط جدید دین‌گرا نیز تفکیک کرد. روشنفکران دینی، شهرنشینان مرتبط با نهادهای مذهبی و بخشی از نیروهای بوروکرات را می‌توان جز طبقه متوسط جدید دین‌گرا دانست. طبقه متوسط لیبرال، شامل بخشی از فعالان اقتصادی بخش خصوصی و مجموعه‌ای از افراد آشنا با جوامع غربی و رسانه‌های جدید می‌باشند [۱۲]. این تقسیم‌بندی بیشتر تحت‌تاثیر میزان گرایش به دین و فرهنگ دینی است.

۳-۲- مشروعیت در مردم سالاری دینی

مشروعیت به معنای توجیه عقلانی «اعمال قدرت حاکم» و اینکه حاکم برای اعمال قدرت خود چه مجوزی دارد و مردم چه توجیه عقلی برای اطاعت از حاکم ارائه می‌دهند. مشروعیت متضمن توانایی نظام سیاسی در ایجاد و حفظ این اعتقادات است که نهادهای سیاسی موجود، مناسب ترین نهادها برای جامعه هستند [۱۳]. البته می‌بایست توجه داشت که مشروعیت تنها به معنای پذیرش عقلانی نیست. مشروعیت سیاسی عبارت است از پذیرش عاطفی و عقلانی "قواعد اساسی قدرت" توسط شهروندان. در اینجا منظور از "قواعد قدرت"، قواعدی است که قدرت بر اساس آن‌ها کسب و اعمال می‌شود و نظام سیاسی بر مبنای آن‌ها، ساخته می‌شود. این قواعد، شامل قواعد رسمی و قانونی نوشته شده و قواعد غیررسمی است که در عمل به کار می‌رود [۱۴].

اهمیت مسئله مشروعیت نظام سیاسی از آنرو است که کاهش مشروعیت موجب می‌شود که قواعد و دستورات قدرت، پشتوانه اجتماعی و اخلاقی خود را از دست بدهند به طوری که نظم و سامان سیاسی که متکی به اطاعت از قواعد است به دلیل از دست رفتن مشروعیت قواعد از دست می‌رود. علاوه بر این با از دست رفتن مشروعیت سیاسی، توانایی نظام برای تحمل مشکلات و تامین اهداف جمعی کاهش پیدا می‌کند. افزایش نظم^۷، ثبات^۸ و کارآمدی^۹ از جمله امتیازاتی است که یک سیستم مشروع دارد. نظم وابسته به اطاعت مردم است، ثبات تنها مفهومی طولی نیست و دربرگیرنده توانایی مواجهه با شوک و شکست به دلیل برخورداری از حمایت اعضای جامعه است و نظام سیاسی دارای مشروعیت در دستیابی به اهداف نیز کارآمد خواهد بود [۱۵]. کارآمدی، نظم و ثبات حکومت هم علت و هم معلول مشروعیت نظام سیاسی هستند.

در مردم سالاری دینی، مشروعیت به معنای مطابقت با موازین و آموزه‌های شریعت اسلامی است. از طرفی برای تحقق حاکمیت، شرایط و ضوابطی مقرر شده که بر اساس آن‌ها از هر راهی نمی‌توان به قدرت رسید، بلکه باید رضایت اکثریت مردم و حقوق انسانی و شرعی آن‌ها را نیز

1 Lower Middle Class

2 Upper Middle Class

3 Marginal Middle Class

4 Lower Middle Class

5 Old Middle Class

6 New Middle Class

7 Order

8 Stability

9 Effectiveness

تأمین کرد. به عبارتی از نگاه اسلام، رهیافت دینی، مشروع بوده و معتبر و قابل اعتماد و لاغیر؛ اما تا زمانی که با رهیافت اجتماعی جمع نگرده، قابل اجرا نیست [۱۶]. به عبارتی دریافتی که از مشروعیت در اینجا وجود دارد، نوعی اعتبار مشروعیت دوگانه را تجویز می‌کند که میان اذن خدا (مشروعیت) و رضایت مردم (مقبولیت) به جمع‌بندی رسیده است [۱۷]. در اینجا پذیرش عقلانی قواعد قدرت دارای دو بعد مهم اساسی است که شامل حقانیت^۱ متکی بر دین (مشروعیت دینی) و نفع عمومی^۲ (مشروعیت مدنی) است.

مشروعیت مدنی یا مقبولیت می‌تواند نسبت به کل یا اجزای نظام سیاسی باشد به طوری که در مجموع نوعی رضایت یا عدم رضایت از آن را شکل دهد. پذیرش ابتدای این نظام بر اساس قوانین یکی از ارکان اساسی مشروعیت است. نباید مشروعیت را تنها انطباق با قانون دانست زیرا که این مسئله به تنهایی برای مشروعیت یک نظام کافی نیست و وجه مقبولیت (مشروعیت مدنی) آن نادیده گرفته شده است. در این دیدگاه حکومت هنگامی مشروعیت دینی و مدنی (مقبولیت) دارد که رضایت اکثریت اعضای جامعه را در چارچوب آموزه‌های دینی برآورده سازد و افراد احساس نکنند به دلیل ناکارآمدی نظام فرصت‌های در دسترسشان محدود است و نمی‌توانند شرایط را بهبود ببخشند. برای حفظ این دو بعد از مشروعیت سازکارهای متفاوتی وجود داشته باشد به طوری که بعد مشروعیت دینی از طریق قانون اساسی و شورای نگهبان مورد توجه قرار می‌گیرد و برای آنچه که به عنوان مشروعیت مدنی یا مقبولیت شناخته می‌شود می‌بایست به مردم جامعه مراجعه کرد.

در مشروعیت مدنی، مشروعیت نظام سیاسی را کم و کیف احساسات و باورهای شهروندان نسبت به قواعد اساس نظام، تعیین می‌کند و یک نظام سیاسی به میزانی مشروعیت دارد که اکثریت شهروندان آن: ۱- وفاداری و علاقه خود را نسبت به نظام سیاسی ابراز دارند؛ ۲- نسبت به سرنوشت نظام سیاسی، احساس وظیفه و مسئولیت کنند؛ ۳- حقانیت قواعد اساسی قدرت (قانون اساسی) را تصدیق نمایند و ۴- نفع عمومی قواعد اساسی قدرت را مورد تأیید قرار دهند [۱۸].

حفظ مشروعیت مدنی نظام، نیازمند کارآمدی حکومت به نحوی است که نیازهای شهروندان را تأمین کند و همچنین کارآمدی دستگاه-های فرهنگی و نظام اجتماعی است به طوری که ارزش‌های مردم در این نظام اجتماعی مطابق با ارزش‌هایی باشد که مردم‌سالاری دینی مبتنی بر آنان است. این نظام اجتماعی و فرهنگی می‌بایست چابکی و انعطاف‌پذیری لازم برای مواجهه و ارائه راه‌حل برای مسائل اجتماعی و فرهنگی جدید در نظام اجتماعی که به دلیل تأثیر رسانه‌های جمعی به شدت در حال ارتباط با سایر فرهنگ‌ها است را نیز داشته باشد. این امر به ویژه در شرایطی که از جمله چالش‌های مطرح بحران هویت نسلی و افول ارزش‌ها و مبانی اخلاقی، اسلامی و انقلابی در جامعه‌ای است که تحت تأثیر تحولات بیرونی ناشی از جهانی شدن و تحولات درونی نظام سیاسی و جامعه قرار دارد [۱۹]، بسیار حائز اهمیت است.

مشروعیت یک برآیند و موضوعی پویا است و به مرور زمان دچار تغییر و تحول می‌شود، مشروعیت می‌بایست در طول زمان تولید و بازتولید شود زیرا که این امر و به ویژه مقبولیت حکومت همواره در طول زمان در حال ارزیابی از سوی مردم است و توجه به این مسئله برای تداوم حکومت بسیار ضروری است. چه بسا یک نظام سیاسی در ابتدا بر اساس قوانین و خواست مردم بر سرکار آمده باشد اما به دلیل ناکارآمدی حداقل در کوتاه مدت و یا در بخشی از اجزای آن فاقد مقبولیت لازم باشد.

البته ناکارآمدی در وهله اول به شخصیت و کارکرد افراد مربوط می‌شود و به مجموعه نظام سیاسی لطمه‌ای وارد نمی‌کند، اما اگر حکومت‌ها پی‌درپی تغییراتی را اعمال کنند و تغییرات آن‌ها نتواند در سامان دادن به امور موفق باشد و یا چشم انداز روشنی برای بهبود وضعیت با توسل به قانون اساسی وجود نداشته باشند، در این صورت مشروعیت مجموعه نظام دچار تهدید می‌شود [۲۰]. بنابراین در طولانی مدت ناکارآمدی و نارضایتی مردم می‌تواند مشروعیت نظام سیاسی و یا برخی از نهادهای تأثیرگذار نظام را از بین ببرد. کارآمدی در حقیقت بیانگر قابلیت و توانایی اداره کشور توسط مدیران و کارگزاران جامعه است که رضایتمندی مردم را در پی دارد.

جامعه‌پذیری مردم و طبقات تأثیرگذار هم از نظر دینداری و هم همسویی با ارزش‌های نظام در ایجاد مشروعیت و رضایت از نظام مردم سالار بسیار مهم است و اگر نظام فرهنگی طبقه متوسط با نظام فرهنگی حاکم بر تصمیمات سیاسی و اجتماعی کلان همسو نباشد به تدریج شکافی بین خواسته‌ها و انتظارات و واقعیات در جامعه و تصمیمات اخذ شده در نظام سیاسی جامعه به وجود می‌آید که موجب نارضایتی و کاهش مقبولیت نظام سیاسی می‌شود. در مردم‌سالاری دینی از آنجایی که اداره جامعه بر اساس قوانین اسلام است، گرایش افراد به ویژه طبقات تأثیرگذار به دین و پابندی دینی آن‌ها می‌تواند در پذیرش و عدم‌پذیرش شیوه حکومت و میزان رضایت افراد از اقدامات آن بسیار تأثیرگذار باشد.

همانطور که اشاره شد، عواملی چون کارآمدی و تفاوت ارزش‌ها در ایران با مکانیزم شکاف بین خواسته‌ها و واقعیات می‌توانند موجب کاهش

¹Rightness

²General Interest

رضایت از نظام سیاسی و در نهایت مشروعیت آن شود. پس از انقلاب، فرایند نوسازی در قالب برنامه‌های توسعه و به مفهوم مدرن شدن در سال‌های بعد از جنگ شروع شد. رشد صنعتی شدن، تحول در انگاره‌های توده مردم، میل به مصرف بالا، رشد شهرنشینی، گسترش آموزش عالی و ... شاخص‌های چنین روندی بوده است. این مسائل باعث ایجاد تحولات عمیقی در ساخت جمعیتی- اجتماعی کشور و به تبع آن در نهادهای اجتماعی، آموزش، فرهنگ و ... شد. تحول در ترکیب فرهنگی جامعه از طریق اشاعه شبکه گسترده‌ای از مدارس و دانشگاه‌ها، تحول در شبکه ارتباطی درون کشور و ... دگرگونی‌های عمیقی در ساختارهای اجتماعی - فرهنگی جامعه و به ویژه در طبقه متوسط وجود آورده است که به شدت در معرض این تغییرات بوده است. تحولات به وجود آمده باعث تغییر در نوع نگرش، خواسته‌ها، ذائقه‌ها شده است، تغییری که در جهت متفاوت از ارزش‌های سیاسی حاکم، فضای ذهنی افراد را تغییر داده است [۲۱]، این تغییر موجب شده افراد طبق نظریه لرنر در مورد "خواسته‌ها" و "یافته‌های" خویش احساس شکاف کنند. سواد، دسترسی به رسانه‌ها و ارتباط با جهان خارج می‌تواند ذائقه طبقه متوسط را تغییر داده، این افراد احساس استقلال بیشتری کرده و با نگاهی انتقادی به اطرافشان می‌نگرند و اگر شکافی بین آنچه که برایشان ارزشمند است و طالب آنند با نحوه اداره جامعه که در حال حاضر ادعا می‌شود بر اساس ارزش‌های دینی است وجود داشته باشد، به سرعت متوجه شده و به دلیل دسترسی به رسانه و اعتبار و نفوذ اجتماعی به دیگران منتقل می‌کنند.

۲-۴- طبقه متوسط و مشروعیت در مردم‌سالاری دینی

ارزیابی این طبقه از کارآمدی نظام، رضایت آن‌ها و همسویی آن‌ها با ارزش‌های حاکم بر نظام به دلایل زیر می‌تواند مهم و بر مقله مشروعیت نظام تاثیرگذار باشد:

۱- طبقه متوسط هرچند همواره در جامعه ما وجود داشته اما پس از شروع نوسازی عباس میرزا و اقدامات رضاشاه و محمدرضا شاه به ویژه طبقه متوسط جدید رشد کرده و بعد از انقلاب با بزرگ شدن دولت و افزایش تحصیلات دانشگاهی این رشد سرعت خیلی بیشتری پیدا کرده است. بنابراین ساختار طبقاتی جامعه ایران تغییر کرده است و طبقه‌ای در آن بزرگ شده که ارزش‌ها و نگرش‌های آن نسبت به نظام سیاسی و رضایت از آن بسیار مهم است.

۲- از دیگر سو سرمایه فرهنگی و تحصیلی، سرمایه شغلی و توانمندی اقتصادی این طبقه نیز در شکل‌گیری ارزش‌های این طبقه و همینطور تاثیرگذاری آن بسیار مهم است. طبقه متوسط، تنها طبقه‌بندی افراد بر اساس ویژگی‌های اقتصادی و دارایی‌ها نیست بلکه سرمایه فرهنگی، تحصیلی و شغلی که این طبقه دارد نیز بسیار مهم است.

اعضای طبقه متوسط به ویژه طبقه متوسط جدید عموماً با ابزار اندیشه کار می‌کنند و نه با نیروی کار یدی و ابزار. این افراد به دلیل برخورداری از آموزش عالی دارای مهارت‌های فکری بیشتر و پذیرش اجتماعی بالاتری هستند بنابراین می‌توانند بر سایر اقشار تاثیرگذار باشند در نهایت می‌توان گفت آنچه که جزئی از فرهنگ این بخش از مردم است به تدریج تبدیل به فرهنگ سایر طبقات و اقشار جامعه می‌شود.

موقعیت شغلی و سرمایه شغلی این طبقه نیز باعث افزایش تاثیرگذاری آن بر سایر طبقات شده است. سرمایه شغلی^۱ حق مالکیت یا نتایج مکتسبه از ایفای نقش در یک موقعیت شغلی است. این دارایی‌ها مجموعه‌ای از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشند که از طریق اشتغال فرد در یک موقعیت شغلی خاص به دست می‌آیند. به بیانی دیگر سرمایه شغلی مجموع ثروت، قدرت، منزلت و معرفتی است که با قبول و ایفای نقش در یک موقعیت شغلی در تملک شاغل درمی‌آید. میزان سرمایه شغلی هر موقعیت شغلی بستگی به اهمیت کارکردی آن و خطیر بودن عدم ایفا یا نقص ایفای نقش در آن موقعیت دارد. سرمایه شغلی با امکانات و حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در دسترس فرد در محل کار او و یا ناشی از نوع شغل او قابل تشخیص است. در سرمایه شغلی لازم است به قدرت و پایگاه شغلی (پست سازمانی)، میزان استقلال، اهمیت و احترام دیگران برای شغل، تعداد زیردستان، سابقه‌ی کار، دائم یا موقت بودن، اجرایی یا سیاست‌گذاری بودن، میزان تخصص مورد نیاز شغل، تاثیر (نفوذ) جغرافیایی و جمعیتی شغل توجه داشت. همچنین باید توجه داشت که وزن هر یک از سرمایه‌ها در تعیین سرمایه شغلی الزاماً برابر نیست، بلکه هر یک از سرمایه‌ها می‌توانند در مشاغل مختلف، وزن‌های متفاوتی داشته باشند.

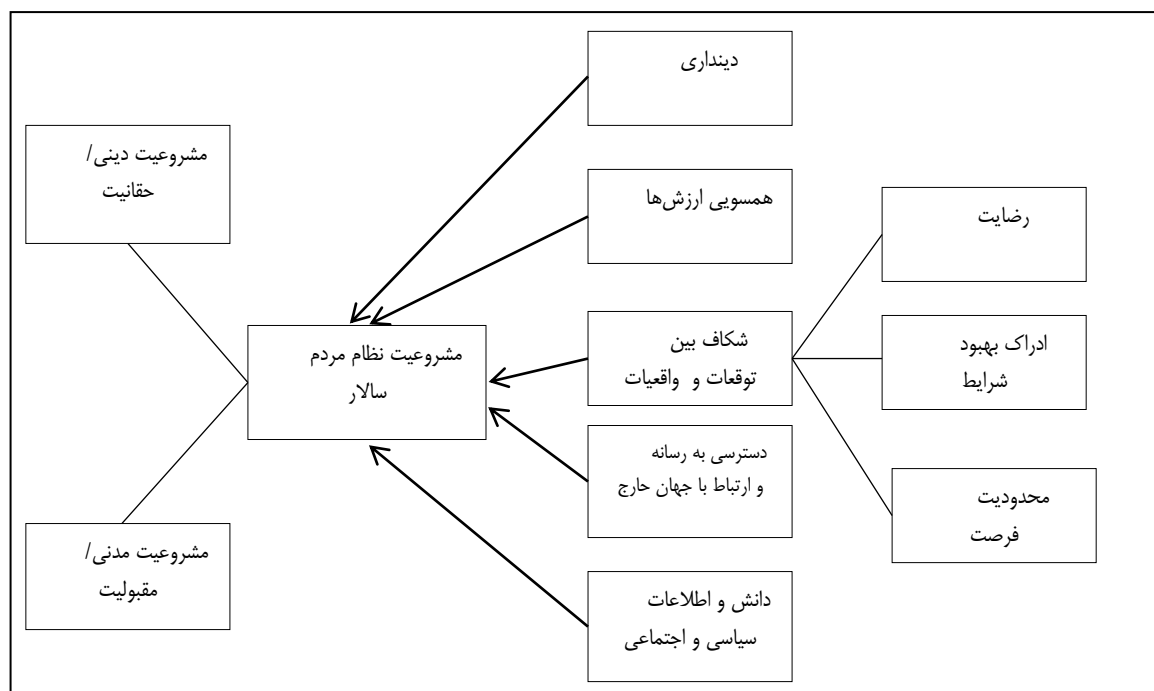
۱. طبقه متوسط اصطلاحی ساختاری است که با قدرت سیاسی گره خورده است. این واژه از مفاهیمی است که هویت آن مستلزم وجود حداقل دو طبقه اجتماعی دیگر است؛ یکی طبقه بالا و دیگر طبقه پایین. طبقه متوسط با هر دو طبقه پیرامونی خود مناسبات ساختاری دارد به طوری که در فرایند تاریخی و تعاملی خود به طور مدام در حال تحول، جذب و تبادل نیروهای اجتماعی

¹Occupational Capital

خود با طبقات پیرامونی است و نقش های اساسی آن سبب شده است که به صورت خاص، زندگی سیاسی را تحت تاثیر قرار دهد [۲۲] (مهاجرنیا، ۱۳۸۳: ۲۳). امروزه گروه های اجتماعی جدیدی مانند زنان که در گذشته بخش مستهلک و ادغام شده جامعه محسوب می شدند با هویت های فمینیستی (اعم از حقوق طلبی، برابری جویی و برتری طلبی) وارد این عرصه شده و با رویکردی انقلابی، خواهان تحول در بسیاری از حوزه های قدرت، دانش و مناسبات اجتماعی می باشند. از این منظر امروزه نقش و کارکرد طبقه متوسط بسیار گسترده و اساسی شده است به طوری که تمام کار ویژه های حوزه عمومی و جامعه مدنی در قلمروی این طبقه قرار گرفته است. تجمع خواسته های جامعه به ویژه خواسته های توده مردم و بیان و انتقال آن ها به طبقه حاکمه از وظایف قطعی این طبقه تلقی می شود. علت اصلی تحرکات اجتماعی در جوامعی که دارای طبقه متوسط هستند به توانایی و قدرت مقایسه ای آن ها از یک سو و خودآگاهی آنان از سوی دیگر بازمی گردد [۲۲].

۲. دانش و اطلاعات سیاسی و اجتماعی: دانش و بینش و استقلال اطلاعاتی این طبقه نسبت به مسائل مختلف باعث می شود که به دنبال مشارکت اجتماعی و سیاسی باشند و توانایی ارزیابی شکاف بین خواسته ها و واقعیات را داشته باشند.

۳. این طبقه به دلیل برخورداری از ابزار، امکانات و ظرفیت های رسانه ای و ارتباطی و تکنولوژیکی مدرن در معرض جریان اطلاعات و چهارراه ارتباطات جهانی قرار گرفته است و نقش اساسی را در تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بازی خواهد کرد، اعضای آن سریع تر به شکاف بین خواسته ها و واقعیات و یا تطابق آن ها پی می برند [۲۲-۲۳]. افراد این طبقه به رسانه های جمعی برای دریافت اطلاعات جدید و گسترش تفکراتشان دسترسی دارند، در اینجا منظور از رسانه بیشتر رسانه های غیررسمی موجود مانند فضاهای مجازی می باشد.



مدل ۱ عوامل موثر بر ارزیابی از مشروعیت نظام سیاسی

۳- روش تحقیق

در این بررسی از روش پیمایش استفاده شد. از آنجا که شغل یکی از مهم ترین متغیرهای تعیین کننده طبقه به ویژه در طبقه متوسط جدید است، جمعیت مورد مطالعه سرپرست خانوار تعیین شده است. با استفاده از داده های موجود درباره پراکندگی تحصیلات و شغل در مناطق مختلف، مناطقی انتخاب گردید که دسترسی به اعضای طبقات مختلف فراهم شود. در طول تحقیق دریافتیم که دسترسی به افراد طبقه بالای واقعی سخت و تقریباً غیر ممکن است به همین دلیل در ادامه کار با شیوه نمونه گیری گلوله برفی تلاش شد مصاحبه های بیشتری با این طبقه انجام شود. با توجه به اینکه مناطق مورد بررسی در این تحقیق به گونه ای انتخاب شده اند که احتمال سکونت طبقه متوسط در آن ها بیشتر باشد، تعداد اعضای طبقه متوسط بیشتر و تعداد افراد طبقه پایین کمتر از ارقام محاسبه در شهر تهران است، در نهایت با ۴۷۰ نفر مصاحبه شد. به منظور مقایسه بین طبقات در مطالبات و شرایط، افرادی که در تحقیق حضور داشتند به سه طبقه تفکیک شدند. پس از به دست آمدن

این اطلاعات به منظور ساخت شاخص طبقه فاصله‌ای ابتدا شاخصی با درآمد و دارایی، تحصیلات و سرمایه شغلی برای طبقه ساخته شد. در مرحله بعد این شاخص بر اساس دامنه تغییراتش به سه طبقه بالا، متوسط و پایین تقسیم‌بندی شد تا سه طبقه موجود در جامعه آماری مشخص شود. دسته بندی دیگری از طبقه متوسط بر اساس معیارهای اسمی نیز انجام شد. در تحلیل‌های این بررسی از داده‌های مربوط به طبقه متوسط استفاده شده است.

یادآوری می‌شود برای رعایت اختصار از توضیح چگونگی تشکیل شاخص‌های مورد استفاده و محاسبات آن‌ها خودداری شده است. اعتبار و روایی تمامی شاخص‌های به کار رفته با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، KMO در تحلیل عاملی و محاسبه ضریب همبستگی درونی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته و تماماً در سطح قابل قبول می‌باشند.

۳- نتایج و یافته‌های تحقیق

۳-۱- طبقه اجتماعی پاسخگویان

در تحقیق حدود ۴۷۰ نفر مورد بررسی قرار گرفتند از این تعداد ۷/۴ درصد افراد در طبقه‌ی بالا، ۶۴/۳ درصد افراد در طبقه‌ی متوسط و ۲۸/۴ درصد از افراد در طبقه پایین قرار دارند. در این بررسی سرمایه‌های مختلف با معرف‌های متعدد سنجیده و نسبی شده‌اند و هر کدام از میانگین‌ها از ۱۰۰ بیان شده است. در طبقه‌ی متوسط میانگین فرهنگی ۷۱ از ۱۰۰ بوده است و میانگین سرمایه شغلی ۵۹/۲۰ و میانگین دارایی و درآمد نسبی نیز در این طبقه ۲۸ است. تفاوت طبقه بالایی‌ها عموماً در سرمایه اقتصادی و شغلی مشهود است. جدول (۱)

جدول ۱ توزیع فراوانی طبقه پاسخگویان

طبقات پاسخ	درصد	میانگین سرمایه فرهنگی	میانگین سرمایه شغلی	میانگین دارایی و درآمد
بالا	۷/۴	۸۶	۸۵/۲۹	۵۱/۳۷
متوسط	۶۴/۳	۷۱	۵۹/۲۰	۲۸
پایین	۲۸/۴	۳۸/۵۵	۳۳/۲۴	۲۱/۵۰
کل	۱۰۰	۶۲	۵۳/۷۶	۲۷/۸۷

۳-۲- دسته بندی های درون طبقه متوسط

طبقه متوسط یک طبقه متجانس نیست. داخل این طبقه، گروه‌بندی‌هایی وجود دارد که می‌بایست مورد بررسی قرارگیرد. بر اساس تعاریف موجود و ویژگی‌های پاسخگویان در طبقه متوسط سه گروه‌بندی: ۱- طبقه متوسط بالا و طبقه متوسط مادون یا نیمه مرفه ۲- متخصصان، کارمندان و مدیران و ۳- سکولار-دیندار شناسایی شدند.

در اولین گام طبقه متوسط به دو طبقه متوسط نیمه مرفه و متوسط بالا تقسیم شد. حدود ۴۷/۷ درصد از افراد موجود در طبقه متوسط عضو طبقه متوسط نیمه مرفه و حدود ۵۲/۳ درصد از آن‌ها عضو طبقه متوسط جدید هستند. همانطور که می‌بینید این دو طبقه در تحصیلات و سرمایه شغلی با همدیگر فرق دارند اما در دارایی و درآمد تقریباً برابرند که ممکن است ناشی از عدم تمایل به اعلام دقیق دارایی‌ها باشد.

جدول ۲ توزیع فراوانی طبقه متوسط نیمه مرفه و بالا

طبقات پاسخ	درصد	میانگین سرمایه فرهنگی	میانگین سرمایه شغلی	میانگین دارایی و درآمد
طبقه متوسط بالا (جدید)	۵۲/۳	۸۱/۷۹	۶۶/۱۰	۲۸/۷۷
طبقه متوسط نیمه مرفه	۴۷/۷	۵۹/۵۹	۵۳/۹۹	۲۷/۲۱

تقسیم‌بندی دیگری نیز در درون این طبقه ارائه می‌شود که شامل مدیران، متخصصین و کارمندان می‌باشد. میانگین سرمایه فرهنگی در بین کارمندان تقریباً سال ۷۱/۳۶ می‌باشد، میانگین سرمایه شغلی نسبی در آنان ۶۰/۵۵ و در نهایت میانگین دارایی و درآمد نسبی در این طبقه حدود ۲۷ بوده است. در بین متخصصین میانگین سال‌های تحصیل ۸۶/۷۶ سال بوده است، میانگین سرمایه شغلی آنان حدود ۶۴/۵۴ می‌باشد و میانگین دارایی و درآمد نسبی نیز در این طبقه ۲۸/۸ است. در میان مدیران میانگین سال‌های تحصیل ۷۴/۴۲ سال بوده است. میانگین سرمایه شغلی ۸۰ می‌باشد و میانگین دارایی و درآمد نیز در مدیران ۳۰/۴۵ است. جدول (۳)

جدول ۳ توزیع فراوانی طبقه متوسط (کارمندان، متخصصین و مدیران)

طبقات پاسخ	درصد	میانگین سرمایه فرهنگی	میانگین سرمایه شغلی	میانگین دارایی و درآمد
کارمندان	۶۵/۹	۷۱/۳۶	۶۰/۵۵	۲۷/۳۴
متخصصین	۱۹	۸۶/۷۶	۶۴/۵۴	۲۸/۸
مدیران	۱۵	۷۴/۴۲	۸۰	۳۰/۴۵

علاوه بر دو دسته‌بندی بالا از طبقه متوسط که ادعا می‌شود این دسته‌بندی‌ها منجر به خواسته‌های متفاوت در بین این طبقه می‌شود برخی معتقدند طبقات ایران تحت‌تاثیر مذهب به طبقات دارای تعلقات دینی بالا و دارای تعلقات دینی پایین تقسیم می‌شوند و همین مسئله باعث می‌شود در بسیاری از خواسته‌های این افراد ما عدم تجانس را مشاهده کنیم. در طبقه متوسط، حدود ۵۵ درصد در گروه دیندار و حدود ۴۵ درصد در گروه کمتر دیندار و با گرایشات سکولار قرار گرفتند. (جدول ۴)

جدول ۴ توزیع فراوانی طبقه متوسط (سکولار-دیندار)

طبقات پاسخ	درصد معتبر	میانگین سرمایه فرهنگی	میانگین سرمایه شغلی	میانگین دارایی و درآمد
دیندار	۵۴/۹	۷۲/۲۳	۶۱/۷۲	۲۹/۱۲
متوسط سکولار	۴۵/۱	۶۹/۵۵	۵۶/۱۳	۲۷/۷۹

۳-۳- مشروعیت نظام

مشروعیت برای نظام‌های سیاسی یکی از مسائل مهم می‌باشد زیرا هرکجا که در مورد مشروعیت توافق عمومی وجود داشته باشد، دستورات صاحبان قدرت بدون استفاده گسترده از اجبار یا هراس دائمی از نافرمانی و عناد، اجرا خواهد شد. [۲۴] جدول (۵) نشان دهنده فراوانی، درصد معتبر و میانگین طبقه متوسط در این بررسی در شاخص مشروعیت نظام بر روی یک طیف شش درجه‌ای از خیلی مخالف تا خیلی خیلی موافق می‌باشد. میانگین شاخص مشروعیت نظام در طبقه متوسط ۳/۵۵ از ۶ است. در طبقه متوسط ۵/۷ درصد خیلی زیاد، ۲۱/۲ درصد خیلی زیاد، ۲۸/۶ درصد زیاد، ۲۱/۲ درصد کم، ۱۳/۵ درصد خیلی کم و ۹/۸ درصد خیلی کم نظام را دارای مشروعیت می‌دانند. در درون دسته‌بندی‌های موجود در طبقه متوسط سکولارها کم‌ترین مشروعیت را برای نظام و مدیران و گروه متوسط دیندار دارای بیشترین ارزیابی از مشروعیت نظام هستند.

جدول ۵ توزیع فراوانی مشروعیت نظام و اجزای آن بر حسب طبقه اجتماعی

مشروعیت نظام	خیلی خیلی زیاد	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	خیلی خیلی کم	میانگین
کل طبقه متوسط	۵/۷	۲۱/۲	۲۸/۶	۲۱/۲	۱۳/۵	۹/۸	۳/۵۵
طبقه متوسط بالا (جدید)	۶/۱	۲۳/۶	۲۵/۷	۲۱/۶	۱۳/۵	۹/۵	۳/۵۸
طبقه متوسط نیمه مرفه	۵/۹	۲۰	۳۱/۹	۱۸/۵	۱۳/۳	۱۰/۴	۳/۵۵
کارمندان	۴/۷	۲۴/۷	۳۰/۷	۱۸	۱۲	۱۰	۳/۶
متخصصین	۸/۸	۲۰/۶	۱۴/۷	۲۶/۵	۱۷/۶	۱۱/۸	۳/۴
مدیران	۱۱/۴	۲۵/۷	۴۰	۱۴/۳	۱۵/۷	۲/۹	۴/۱
دیندار	۹/۲	۳۳/۷	۳۳/۱	۱۶/۶	۴/۹	۲/۵	۴/۱
سکولار	۱/۵	۶	۲۳/۱	۲۶/۹	۲۳/۹	۲۱/۷	۲/۷

۴-۴- همسویی با ارزش های نظام

همسویی با ارزش‌های نظام سیاسی موجب پذیرش هنجارهای رسمی و غیررسمی می‌شود که نظام مردم سالار دینی بر اساس آن‌ها اداره می‌شود. جدول (۶) نشان دهنده فراوانی و درصد معتبر و میانگین طبقات مختلف در شاخص همسویی با ارزش‌های انقلاب در طبقه متوسط بر روی یک طیف شش درجه‌ای از خیلی خیلی مخالف تا خیلی خیلی موافق می‌باشد. میانگین همسویی با ارزش‌های انقلاب در طبقه متوسط ۳/۷۳ می‌باشد. در طبقه متوسط ۱۵/۲ درصد خیلی زیاد، ۱۹/۵ درصد خیلی زیاد، ۲۲/۲ درصد زیاد، ۱۹/۲ درصد کم، ۱۴/۱ درصد خیلی

کم و ۹/۸ درصد خیلی خیلی کم با ارزش‌های انقلاب همسو می‌باشند. در این متغیر نیز سکولارها کمترین همسویی و دیندارها بیشترین همسویی را با ارزش‌های نظام دارند.

جدول ۶ توزیع فراوانی همسویی با ارزش‌های انقلاب بر حسب طبقه اجتماعی

میانگین	خیلی خیلی کم	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	خیلی خیلی زیاد	همسویی با ارزش‌های انقلاب
۳/۷۳	۹/۸	۱۴/۱	۱۹/۲	۲۲/۲	۱۹/۵	۱۵/۲	طبقه متوسط
۳/۷۳	۸/۱	۱۴/۹	۲۳/۶	۱۸/۹	۱۷/۶	۱۶/۹	طبقه متوسط بالا (جدید)
۳/۷۹	۱۱/۱	۱۳/۳	۱۱/۹	۲۶/۷	۲۳	۱۴/۱	طبقه متوسط نیمه مرفه
۳/۸۷	۹/۳	۱۱/۳	۱۶/۷	۲۵/۳	۲۰	۱۷/۳	کارمندان
۳/۴	۸/۸	۲۳/۵	۲۶/۵	۱۴/۷۹	۱۱/۸	۱۴/۷	متخصصین
۴/۱۴	۵/۷	۵/۷	۲۲/۹	۲۰	۲۵/۷	۲۰	مدیران
۴/۴۳	۲/۵	۴/۳	۱۴/۱	۲۵/۸	۲۸/۸	۲۴/۵	دیندار
۲/۸۲	۱۸/۷	۲۶/۱	۲۵/۴	۱۷/۹	۸/۲	۳/۷	سکولار

۴-۵- رابطه همسویی با ارزش‌های انقلاب و مشروعیت نظام

جدول (۷) گویای این امر است که رابطه شاخص رابطه احساس همسویی با ارزش‌های انقلاب و مشروعیت نظام در طبقه متوسط ($r = 0.81$) می‌باشد به عبارت دیگر با افزایش رضایت از وضعیت کشور مشروعیت نظام نیز افزایش می‌یابد. این مطلب نشان دهنده این امر است که هر چه حکومت بتواند ارزش‌های همسو با نظام را بیشتر درونی کند، مشروعیت نظام بیشتر افزایش پیدا می‌کند و یکی از ایراداتی که وجود دارد ناتوانی حکومت و بخش‌های فرهنگی در درونی کردن ارزش‌های انقلاب می‌باشد.

جدول ۷ رابطه شاخص مشروعیت نظام با شاخص رضایت از وضعیت کشور

طبقات پاسخ	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
همسویی با ارزش‌های انقلاب	$r = 0.81$	$sig = 0.000$

۴-۶- دینداری

در نظام مردم سالار دینی، دینداری مردم در پذیرش هنجارهای رسمی و غیررسمی و اقدامات مهم به نظر می‌رسد. جدول (۸) نشان دهنده فراوانی و درصد معتبر و میانگین طبقه متوسط در دینداری بر روی یک طیف شش درجه‌ای از خیلی خیلی مخالف تا خیلی خیلی موافق می‌باشد. میانگین دینداری در طبقه متوسط ۳/۶۹ می‌باشد. در طبقه متوسط ۲۹/۸ درصد خیلی زیاد، ۳۲ درصد زیاد، ۲۱/۴ درصد متوسط، ۱۱ درصد کم ۶/۵ درصد خیلی دیندار می‌باشند. مدیران در دسته بندی درون طبقه متوسط دارای بیشترین میانگین از شاخص دینداری هستند.

جدول ۸ توزیع فراوانی دینداری در طبقه متوسط

دینداری	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
طبقه متوسط	۲۹/۷	۳۲	۲۱/۴	۱۱	۵/۶	۳/۶۹
طبقه متوسط بالا (جدید)	۳۵/۸	۳۰/۴	۲۳	۷/۴	۳/۴	۳/۸۷
طبقه متوسط نیمه مرفه	۵/۲۱	۳۱	۵/۱۸	۹/۱۱	۱/۱۱	۳/۴۵
کارمندان	۲۸	۳۶/۷	۲۲	۱۰	۳/۳	۳/۷۶
متخصصین	۳۲/۴	۳۲/۴	۱۴/۷	۱۴/۷	۵/۹	۳/۷۰
مدیران	۴۲/۹	۳۱/۴	۲۵/۷	-	-	۴/۱۷

۴-۷- رابطه دینداری با مشروعیت نظام

بر اساس بحث تئوریک دریافتیم دیندار بودن افراد در میزان مشروعیت نظام در افراد موثر است بنابراین در اینجا به بررسی این رابطه خواهیم پرداخت. رابطه‌ی دینداری با مشروعیت نظام در طبقه متوسط ($r = 0.87$) می‌باشد. بدان معنا که با افزایش دینداری افراد میزان مشروعیت نظام در بین آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. جدول (۹)

جدول ۹ رابطه‌ی دینداری و مشروعیت نظام در طبقه متوسط

طبقات پاسخ		طبقه متوسط
ضریب همبستگی	سطح معنی داری	
سکولار-دیندار	$r = .57$	$sig = .000$

۹-۴- شکاف توقعات و واقعیت

یکی دیگر از عواملی که باعث می‌شود ارزیابی از کارآمدی نظام کاهش یابد، شکاف بین توقعات و واقعیات است که این از سه طریق خود را نشان می‌دهد. یکی از طریق ناراضایتی، دیگر این که افراد احساس می‌کنند فرصت‌هایی که می‌بایست در اختیار همه باشد محدود شده است و عدم احساس بهبود در شرایط زندگی از جنبه‌های مختلف.

رضایت از وضعیت کشور، که با سه متغیر رضایت از شرایط اقتصادی، رضایت از وضعیت اجتماعی- فرهنگی و رضایت از وضعیت اداره کشور سنجیده شد، زیرا تصور می‌شد ممکن است در هر یک از ابعاد مختلف میزان رضایت افراد از وضعیت کشور متفاوت باشد. میانگین رضایت از وضعیت کشور در طبقه متوسط ۲/۵ از ۶ می‌باشد که نشان دهنده ناراضایتی کم از شرایط کشور در بین طبقه متوسط است. در طبقه متوسط ۳/۱ درصد خیلی زیاد، ۱۲/۹ درصد زیاد، ۳۶/۶ درصد کم، ۲۷/۸ درصد خیلی کم و ۱۹/۷ درصد خیلی خیلی کم دارای احساس رضایت از وضعیت کشور هستند. جدول (۱۰)

جدول ۱۰ توزیع فراوانی شاخص رضایت از وضعیت کشور در طبقه متوسط

رضایت از وضعیت کشور	خیلی خیلی زیاد	خیلی زیاد	کم	خیلی کم	خیلی خیلی کم	میانگین
طبقه متوسط	-	۳/۱	۱۲/۹	۳۶/۶	۲۷/۸	۲/۵
طبقه متوسط بالا (جدید)	-	۲/۷	۱۰/۸	۳۸/۵	۲۸/۴	۲/۴۸
طبقه متوسط نیمه مرفه	-	۳/۸	۱۶/۵	۳۶/۱	۲۵/۶	۲/۶۲
کارمندان	-	۱۴	۱۴/۷	۳۸/۷	۲۶/۷	۲/۶۴
متخصصین	-	-	۱۴/۷	۳۲/۴	۳۲/۴	۲/۴۱
مدیران	-	۲/۹	۸/۸	۵۰	۲۳/۵	۲/۶۱
دیندار	-	۴/۹	۱۹/۶	۴۶/۶	۱۹	۲/۶۸
سکولار	-	۰/۷	۴/۵	۲۳/۹	۳۸/۱	۲/۰۳

یکی دیگر از مسائلی که باعث می‌شود افراد نظام سیاسی را ناکارآمد بدانند، احساس این مسئله است که فرصت‌هایی که در جامعه وجود دارد محدود شده است و همه به یک اندازه از آن‌ها برخوردار نیستند. میانگین احساس محدودیت فرصت در طبقه متوسط ۳/۲۶ از ۶ می‌باشد. در طبقه متوسط ۰/۷ درصد خیلی خیلی زیاد، ۱۲/۸ خیلی زیاد، ۲۶/۶ درصد زیاد، ۳۵ درصد کم، ۲۱/۹ درصد خیلی کم و ۳ درصد خیلی خیلی کم دارای احساس محدودیت فرصت هستند. در دورن دسته‌بندی‌ها متخصصین و طبقه متوسط سکولار از بیشترین احساس محدودیت فرصت برخوردارند. جدول (۱۱)

جدول ۱۱ توزیع فراوانی احساس محدودیت فرصت در طبقه متوسط

احساس محدودیت فرصت	خیلی خیلی زیاد	خیلی زیاد	کم	خیلی کم	خیلی خیلی کم	میانگین
طبقه متوسط	۰/۷	۱۲/۸	۲۶/۶	۳۵	۲۱/۹	۳/۲۶
طبقه متوسط بالا (جدید)	۰	۱۲/۲	۲۶/۴	۳۷/۸	۲۰/۷	۳/۲۴
طبقه متوسط نیمه مرفه	۰/۷	۱۳/۳	۲۴/۴	۳۴/۸	۲۳	۳/۲۲
کارمندان	-	۱۰	۲۲/۷	۴۲/۷	۲۲	۳/۱۵
متخصصین	-	۱۷/۶	۳۲/۴	۳۵/۳	۱۴/۷	۳/۲۵
مدیران	-	۵/۷	۲۸/۶	۳۱/۴	۲۸/۶	۳
دیندار	-	۴/۹	۲۰/۹	۳۹/۹	۲۹/۴	۲/۹۱
سکولار	۱/۵	۲۲/۴	۳۳/۶	۲۹/۱	۱۲/۷	۳/۶۸

یکی دیگر از مواردی که در درون ارزیابی از کارآمدی نظام مطرح است، احساس بهبود شرایط است. در درون طبقه متوسط ۳/۹ درصد خیلی زیاد، ۲۱/۶ درصد زیاد، ۲۲/۱ درصد متوسط، ۳۵/۱ درصد کم و ۱۷/۳ درصد خیلی کم احساس کرده‌اند که شرایط نسب به ۵ سال گذشته بهبود پیدا کرده است. میانگین طبقه متوسط در مورد احساس بهبود شرایط ۲/۵۹ از ۵ است، کمترین ارزیابی مربوط به طبقه متوسط نیمه مرفه و طبقه متوسط سکولار است. جدول (۱۲)

جدول ۱۲ توزیع فراوانی احساس بهبود شرایط در طبقه متوسط

احساس بهبود شرایط	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
طبقه متوسط	۳/۹	۲۱/۶	۲۲/۱	۳۵/۱	۱۷/۳	۲/۵۹
طبقه متوسط بالا (جدید)	۲/۷	۲۵	۲۳	۳۵/۱	۱۴/۲	۲/۶۶
طبقه متوسط نیمه مرفه	۵/۹	۲۰/۷	۲۰	۳۴/۱	۱۹/۳	۲/۶۰
کارمندان	۴	۲۶/۷	۲۲/۷	۳۴	۱۲/۷	۲/۶۶
متخصصین	۲/۹	۱۷/۶	۲۳/۵	۴۱/۲	۱۴/۷	۲/۶۶
مدیران	۲/۹	۳۱/۴	۲۸/۶	۲۵/۷	۱۱/۴	۲/۶۶
دیندار	۶/۱	۳۲/۵	۲۲/۷	۲۹/۴	۹/۲	۲/۹۶
سکولار	۱/۵	۹/۷	۱۸/۷	۴۴/۸	۲۵/۴	۲/۱۷

۴-۱۰- رابطه شکاف توقعات و واقعیت با مشروعیت نظام

در اینجا به بررسی رابطه بین مشروعیت نظام و حساس رضایت، بهبود شرایط و محدودیت فرصت می‌پردازیم. رابطه‌ی محدودیت فرصت با شاخص مشروعیت نظام در طبقه متوسط ($r = -0.69+++$) و قابل تعمیم به جمعیت تحقیق می‌باشد. این دو رابطه دارای جهت منفی می‌باشند به این معنا که با افزایش احساس محدودیت فرصت در بین پاسخگویان، مشروعیت نظام در بین آن‌ها کاهش می‌یابد.

بسیاری از تئوری‌های جدید مشروعیت حکومت را مبتنی بر رضایت حکومت شوندگان می‌دانند. رژیمی که از پشتیبانی کافی برخوردار نباشد، ناگزیر باید به زور متکی شود. اگر قدرت بر پایه قواعد موجه به دست آید و اعمال شود و نیز همراه با رضایت باشد، مشروعیت نظام حفظ می‌شود. رابطه‌ی شاخص احساس رضایت از وضعیت کشور با شاخص مشروعیت نظام در طبقه متوسط ($r = 0.68+++$) می‌باشد. جهت رابطه نشان می‌دهد که با افزایش رضایت از وضعیت کشور افراد میزان مشروعیت نظام در بین آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر حکومت هر چه قدر بتواند مردم را راضی‌تر نگه دارد مشروعیتش افزایش می‌یابد. رابطه‌ی ادراک بهبود شرایط با شاخص مشروعیت نظام در طبقه متوسط ($r = 0.58+++$) است.

جدول ۱۳ رابطه شکاف بین توقعات و واقعیت با شاخص مشروعیت نظام

طبقات پاسخ	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
محدودیت فرصت	$r = -0.69$	$sig = 0.000$
شاخص رضایت از وضعیت کشور	$r = 0.68$	$sig = 0.000$
ادراک بهبود شرایط	$r = 0.58$	$sig = 0.000$

۴-۱۱- دسترسی به رسانه و ارتباط با جهان خارج

علاوه بر سرمایه شغلی و تحصیلات در این طبقه دسترسی به رسانه و جهان خارج امکان مقایسه وضع کشور و آگاهی از مسائل مطرح شده در جهان را برای طبقه متوسط فراهم می‌کند. در جدول (۱۳) می‌توانید توزیع فراوانی، درصد و میانگین شاخص ارتباط با جهان خارج و اجزای آن را به تفکیک طبقات مشاهده کنید، میانگین شاخص ارتباط با جهان خارج در طبقه متوسط ۲/۸۹ می‌باشد. در درون طبقه متوسط ۱/۳ درصد خیلی زیاد، ۵/۱ درصد خیلی زیاد، ۲۲/۶ درصد زیاد، ۳۴/۷ درصد کم، ۲۵/۶ درصد خیلی کم و ۱۰/۸ درصد خیلی خیلی کم با جهان خارج ارتباط برقرار کرده‌اند.

جدول ۱۴ توزیع فراوانی شاخص استفاده از رسانه و ارتباط با جهان خارج در طبقه متوسط

شاخص ارتباط با جهان خارج	خیلی خیلی زیاد	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	خیلی خیلی کم	میانگین
کل طبقه متوسط	۱/۳	۵/۱	۲۲/۶	۳۴/۷	۲۵/۶	۱۰/۸	۲/۸۹
طبقه متوسط بالا (جدید)	۱/۴	۷/۳	۳۳/۸	۴۱/۹	۱۴/۹	۰/۷	۲/۳۶
طبقه متوسط نیمه مرفه	۱/۵	۳	۱۰/۴	۲۸/۱	۳۶/۳	۲۰/۷	۲/۴۲
کارمندان	۱/۳	۴/۷	۱۷/۳	۴۲/۷	۲۴/۷	۹/۳	۲/۸۷
متخصصین	-	۵/۹	۶۱/۸	۲۰/۶	۱۱/۸	-	۳/۶۱
مدیران	-	۱۱/۴	۲۰	۴۲/۹	۲۰	۵/۷	۳/۱۱
دیندار	۱/۸	۶/۱	۱۸/۴	۳۷/۴	۲۷/۶	۸/۶	۲/۹۱
سکولار	۰/۷	۳/۷	۲۷/۵	۳۱/۳	۲۳/۱	۱۳/۴	۲/۸۷

۱۲-۴- رابطه دسترسی به رسانه و ارتباط با جهان خارج با مشروعیت نظام

رابطه‌ی دسترسی به رسانه و ارتباط با جهان خارج با شاخص مشروعیت نظام در طبقه متوسط ($r = -0.06$) است که نشان می‌دهد همبستگی معناداری بین آن‌ها نیست. البته می‌بایست به این نکته توجه داشت که دسترسی به رسانه می‌تواند موجب شود گرایش‌ها و مطالبات این طبقه در سایر طبقات منتشر شود.

جدول ۱۵ رابطه دسترسی به رسانه و ارتباط با جهان خارج با شاخص مشروعیت نظام

طبقات پاسخ	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
دسترسی به رسانه و ارتباط با جهان خارج	$r = -0.06$	$sig = 0.297$

۱۳-۴- دانش و اطلاعات سیاسی و اجتماعی

افزایش اطلاعات و دانش و بینش سیاسی و اجتماعی باعث می‌شود که مدیریت بسته بر طبقه متوسط امکان پذیر نباشد و اعضای این طبقه به دنبال مشارکت سیاسی باشند بنابراین در این بررسی برای سنجش این متغیر با استفاده از هفت متغیر: خواندن کتاب، خواندن روزنامه، پیگیری مسائل روز، داشتن اطلاعات در زمینه مسائل روز، داشتن آگاهی از اخبار کشور، داشتن آگاهی از اخبار کشورهای خارجی، داشتن اطلاعات در زمینه مسائل کشور شاخصی ساخته شد که در ادامه به شرح آن در این پژوهش خواهیم پرداخت:

در دانش و بینش سیاسی میانگین طبقه متوسط (۳/۴۸) از ۶ است. همانطور که می‌بینید در طبقه متوسط ۱/۳ درصد خیلی خیلی زیاد، ۱۲/۸ درصد خیلی زیاد، ۳۴/۳ درصد زیاد، ۳۸/۴ درصد کم، ۱۰/۸ درصد خیلی کم و ۲/۴ درصد خیلی خیلی کم دارای دانش و بینش بودند. (جدول ۱۶)

جدول ۱۶ توزیع فراوانی شاخص دانش و بینش سیاسی و اجتماعی بر حسب طبقه اجتماعی

شاخص دانش و بینش	خیلی خیلی زیاد	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم	خیلی خیلی کم	میانگین
کل طبقه متوسط	۱/۳	۱۲/۸	۳۴/۳	۳۸/۴	۱۰/۸	۲/۴	۲/۴۸
طبقه متوسط بالا (جدید)	۱/۴	۱۹/۶	۴۲/۶	۲۹/۱	۶/۱	۱/۴	۳/۷۷
طبقه متوسط نیمه مرفه	۱/۵	۶/۷	۲۶/۷	۴۳/۹	۱۵/۶	۳/۷	۳/۲۱
کارمندان	۰/۷	۱۴/۷	۳۹/۳	۳۱/۳	۱۲	۲	۳/۵۴
متخصصین	-	۱۴/۷	۵۲/۹	۲۶/۵	۵/۹	-	۳/۷۸
مدیران	۲/۹	۲۰	۲۵/۷	۴۰	۱۱/۴	-	۳/۶۲
دیندار	۱/۸	۱۴/۱	۳۵/۶	۳۵/۶	۱۱/۷	۱/۲	۳/۵۵
سکولار	۰/۷	۱۱/۲	۳۲/۸	۴۱/۸	۹/۷	۳/۷	۳/۴۰

۱۴-۴- رابطه دانش و اطلاعات سیاسی و اجتماعی با مشروعیت نظام

همانطور که مشاهده می‌کنید، همبستگی معناداری بین دانش و اطلاعات سیاسی و اجتماعی با مشروعیت نظام وجود ندارد.

جدول ۱۷ رابطه دانش و اطلاعات سیاسی و اجتماعی با مشروعیت نظام

طبقه متوسط		طبقات پاسخ
ضریب همبستگی	سطح معنی داری	
$r = -0.008$	$sig = 0.890$	رابطه دانش و اطلاعات سیاسی و اجتماعی

۴-۱۵- رگرسیون مشروعیت نظام

در این قسمت رابطه بین عوامل موثر بر شاخص مشروعیت نظام در طبقه متوسط مدنظر بوده است، بنابراین به رابطه بین مشروعیت نظام و عوامل موثر آن خواهیم پرداخت.

۱- ترتیب ورود متغیرها در جداول مربوط به تحلیل رگرسیون چند متغیری مشروعیت نظام برای طبقه متوسط بر اساس بالاترین میزان همبستگی با متغیر مستقل می باشد به عبارت دیگر هرچه متغیری دیرتر وارد جدول شود ارتباط کمتری با مشروعیت نظام دارد. در جدول (۱۸) که مربوط به مشروعیت نظام با عوامل موثر می باشد، بیشترین تاثیر را شاخص های همسویی با ارزش های نظام، رضایت از وضع کشور، ادراک محدودیت فرصت و ادراک بهبود شرایط دارند. در این جا ذکر این مطلب ضروری است که شاخص دینداری وارد معادله رگرسیونی نشد.

۲- ستون ضریب همبستگی چندگانه^۱ بیانگر آن است که متغیر اولی که وارد شده (همسویی با ارزش های نظام) به میزان ۰/۸۱ همبستگی با مشروعیت نظام دارد. ارقام زیر آن هر یک نشان دهنده ی آن است که با ورود متغیر جدید در معادله ضمن حضور متغیرهای قبلی (بالاتر) همبستگی مشروعیت نظام با آن ها به طور یک جا چقدر شده است، برای مثال با ورود متغیر دوم (رضایت از وضع کشور) مقدار همبستگی از ۰/۸۱ به ۰/۸۳ تغییر یافته است، یعنی بین مشروعیت نظام در نظر پاسخگو به طور همزمان و یک جا با رضایت از وضعیت کشور و همسویی با ارزش های نظام به میزان ۰/۸۳ همبستگی وجود دارد. آخرین رقم این ستون ۰/۸۵ می باشد که همبستگی نهایی مشروعیت نظام را با شاخص هایی که وارد رگرسیون شده اند را نشان می دهد که خود بیانگر همبستگی قوی بین عوامل وارد شده به معادله و مشروعیت نظام است.

۳- در ستون سوم ضریب تعیین^۲ متغیر وابسته را که در اینجا مشروعیت نظام است را مشاهده می کنید. اولین عدد این ستون نشان می دهد شاخص همسویی با ارزش های نظام ۰/۶۶ از مشروعیت نظام را تبیین می کند که با ورود عامل رضایت از وضعیت کشور مقدار ضریب تبیین از ۰/۶۶ به ۰/۷۰ رسیده است یعنی به طور هم زمان دو عامل شاخص رضایت از وضعیت کشور و همسویی با ارزش های نظام به میزان ۰/۷۰ از مشروعیت نظام را توضیح می دهد و بقیه تغییرات آن مربوط به عواملی دیگر غیر از این دو عامل می باشد که تا این جا مورد بررسی قرار نگرفته اند. آخرین رقم این ستون ۰/۷۲ نیز میزان ضریب تعیین چندگانه نهایی را نشان می دهد که بیانگر تبیین میزان مشروعیت نظام با حضور همه عواملی می باشد که در معادله آمده اند.

۴- در ستون چهارم میزان تغییر ضریب تعیین را با ورود هر متغیر مشاهده می کنید به عنوان مثال با افزایش شاخص دوم حدود ۰/۰۳ به ضریب تعیین مشروعیت نظام اضافه شده است.

۵- در ستون پنجم^۳ ضریب تبیین اولین عدد این ستون نشان می دهد که شاخص همسویی با ارزش های نظام به میزان ۰/۶۶ از تغییرات شاخص مشروعیت نظام را بدون توجه به سایر متغیرها تبیین می کند و با ورود عامل شاخص احساس محدودیت فرصت به میزان ۰/۶۹ تغییر یافت، یعنی به طور هم زمان این دو عامل به این میزان از تغییرات شاخص مشروعیت نظام را تبیین می کنند و بقیه تغییرات آن مربوط به عواملی دیگر غیر از این دو عامل می باشد که تا این جا مورد بررسی قرار نگرفته اند. آخرین رقم این ستون ۰/۷۱ نیز میزان ضریب تعیین چندگانه تعدیل شده نهایی را نشان می دهد که بیانگر تبیین میزان تغییرات شاخص مشروعیت نظام با حضور همه عواملی می باشد که در معادله آمده اند.

۶- ستون ششم (B) نشان دهنده میزان و جهت تغییر در متغیر وابسته (مشروعیت نظام) در ازای تغییر در هر یک از متغیرهای مستقل می باشد. برای مثال اولین عدد این ستون نشان می دهد به ازای یک واحد تغییر در شاخص همسویی با ارزش های نظام ۳/۲۵ واحد در مشروعیت نظام تغییر ایجاد می شود.

¹ Multiple R

² R Square

³ Adjusted R Square

۷- ستون هفتم بتا^۱ نشان دهنده وزن B رگرسیون برای نمره های استاندارد است یعنی هنگامی که نمره ها به شکل استاندارد در می آیند. مقادیر B از آنرو که استاندارد نیستند قابل مقایسه نیستند اما بتا امکان ارزیابی اثر نسبی هر یک از متغیرهای مستقل را نشان می دهد. در مقایسه مقدار Beta در می یابیم که بیشترین تاثیر بر مشروعیت نظام را شاخص همسویی با ارزش های انقلاب با مقدار ۰/۵۴ داشته است.

۸- ستون هشتم مقدار F را نشان می دهد و مشخص می کند که آیا می توان نتایج را به جمعیت تحقیق تعمیم داد. ضریب همبستگی چندگانه در کل پاسخگویان بین مشروعیت نظام و عوامل مؤثر ۰/۸۵ می باشد. مقدار ضریب تعیین چندگانه تعدیل شده بین مشروعیت نظام و عوامل مؤثر بر آن نیز در کل پاسخگویان ۰/۷۲ می باشد. به این معنا که عوامل مؤثر به میزان ۰/۷۲ تغییرات مشروعیت نظام را توضیح می دهند و بقیه ی تغییرات که برابر است با ۰/۲۸ مربوط به عواملی غیر از عامل هایی است که در حال حاضر در معادله وارد شده اند.

معادله ی رگرسیونی به صورت زیر می باشد:

مشروعیت نظام در طبقه متوسط = (۸/۰۳) + (۳/۲۵) همسویی با ارزش های انقلاب + (۰/۹۳) شاخص رضایت از وضع کشور - (۱/۵۳) شاخص محدودیت فرصت + (۰/۲۰) شاخص بهبود شرایط

جدول ۱۸ تحلیل رگرسیون چند متغیری مشروعیت نظام برای طبقه متوسط

عوامل مؤثر	Multiple R	ضریب تعیین	تغییر ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	B	Beta	مقدار F	معنی داری
شاخص همسویی با ارزش های نظام	۰/۸۱	۰/۶۶	۰/۶۶	۰/۶۶	۳/۲۵	۰/۵۴	۵۸۲/۰۲	۰/۰۰۰
شاخص رضایت از وضع کشور	۰/۸۳	۰/۷۰	۰/۰۳	۰/۶۹	۰/۹۳	۰/۱۶	۳۴۲/۴۴	۰/۰۰۰
شاخص ادراک محدودیت فرصت	۰/۸۴	۰/۷۱	۰/۰۱	۰/۷۱۳	- ۱/۵۳	- ۰/۱۵	۲۴۴/۳۱	۰/۰۰۰
شاخص ادراک بهبود شرایط	۰/۸۵	۰/۷۲	۰/۰۰۷	۰/۷۱۹	۰/۲۰	۰/۱۰	۱۸۹/۲۷	۰/۰۰۰

۴- نتیجه گیری

طبقه متوسط بویژه طبقه متوسط جدید به واسطه منابع و موقعیتش قادر به ایفای یک نقش محوری در حفظ نظم و ثبات جامعه و یا هدایت آن به سوی نظامی جدید در جامعه است. بر اساس این نگرش طبقه متوسط جدید از بخش هایی از جمعیت تشکیل می شود که از آموزش بالایی برخوردارند، مایل به اشتغال در بخش خدمات هستند و در عین حال قابل مقایسه با مدیران یا صاحبان حرف سنتی نیستند. اعضای طبقه متوسط به دلیل صلاحیت فنی و فرهنگی شان و موضع کارکردی- اقتصادی شان احتمال بیشتری دارد که در منازعات جدید دست به بسیج منابع بزنند. لش و یوری معتقدند، تعلق به طبقه متوسط، از یک طرف پرداختن افراد به موضوعاتی را که نوعاً مستعد مشارکت عمومی هستند را تسهیل می کند و از طرف دیگر منابع و صلاحیت های فردی را که می توانند در انواع عمل سیاسی به کارگرفته شوند در اختیار اعضای این طبقه قرار می دهد [۲۵]. بسیاری از اعضای این طبقه به دلیل برخورداری از آموزش های عالی تر دارای مهارت های فکری بیشتر و پذیرش اجتماعی بالاتری هستند، بنابراین می توانند در سایر اقشار تاثیرگذار باشند در نهایت می توان گفت آنچه که جزئی از فرهنگ این بخش از مردم است به تدریج تبدیل به فرهنگ سایر طبقات و اقشار جامعه می شود. از طرف دیگر می بایست به این امر توجه کرد که افراد این طبقه و گرایش های مختلف آن به رسانه های جمعی برای گسترش تفکراتشان دسترسی دارند. در نظام سیاسی که این طبقه در آن رشد کرده است، ارزش ها و نگرش های طبقه متوسط و ارزیابی آن از مشروعیت نظام بسیار اهمیت پیدا می کند.

شاید سوالی در اینجا مطرح شود اینکه چرا اینقدر مشروعیت نظام سیاسی مهم است؟ زیرا نظام سیاسی، کارکرد دستیابی به هدف را از طریق پیگیری هدف های اجتماعی و بسیج کنشگران و منابع در جهت این هدف، انجام می دهد. مشروعیت کمک می کند اقدامات انجام شده از نظر مردم توجیه باشد. مشروعیت بنیاد قدرت سیاسی است که از یک طرف حق فرمانروایی را می دهد و از طرف دیگر حکومت شوندگان را از چنین حقی آگاه می کند. مشروعیت باعث می شود مردم را به قبول آنچه از نظر اخلاقی برای مقامات رسمی و رهبران حکومت بحق و درست است تا قواعد الزام آور را اعلام نکنند، هدایت می کند [۲۶]. بنابراین اگر بخواهیم نظام اجتماعی را اداره کنیم و افراد در درون آن در جهت

¹ Beta

مناسب حرکت کنند نظام سیاسی می‌بایست از مشروعیت کافی برخوردار باشد و طبقات و گروه‌هایی که تاثیرگذاری بیشتری دارند می‌بایست این مشروعیت را تأیید کنند.

در نظام مردم سالار دینی، مشروعیت دارای دو پایه است: دین (مشروعیت دینی) و نفع عمومی (مشروعیت مدنی). یعنی در این نظام، حکومت هنگامی مشروعیت دارد که دارای هر دو مشروعیت دینی و مدنی (مقبولیت) باشد و رضایت اکثریت اعضای جامعه را در چارچوب آموزه‌های دینی برآورده سازد. بنابراین مشروعیت نظام مردم سالار دینی همانطور که پیش از این در تحلیل‌ها هم به آن اشاره کردیم تا حد زیادی وابسته به عملکرد نظام اجتماعی و سیاسی در رفع نیازهای مردم می‌باشد و اگر نظام اجتماعی و سیاسی نتواند در جهت افزایش رضایت عمومی در بخش‌های مختلف حرکت کند مشروعیت نظام کاهش خواهد یافت.

از طرف دیگر به ویژه در نظام مردم سالار دینی می‌بایست به همسویی با ارزش‌های انقلاب و همچنین دینداری توجه کرد زیرا در غیر این صورت چارچوب ارزش مورد پذیرش مردم و به ویژه طبقات تاثیرگذار متفاوت از چارچوبی است که قواعد رسمی و غیررسمی نظام بر اساس آن‌ها تعریف شده است. نهادهای جامعه پذیر کننده می‌بایست با توجه به تغییرات اجتماعی و گذشت زمان به صورت پویا شرایط جامعه پذیری افراد منطبق با ارزش‌های نظام را فراهم بیاورند.

منابع

- [۱] بیانات رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/>
- [۲] بیانات در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری سال ۸۰ ۱۳۸۰/۰۵/۱۱، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/>
- [۳] بیانات رهبری در دیدار فرمانداران سراسر کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۷۹/۰۸/۳۰، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/>
- [۴] عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۹). مقایسه مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی، راهبرد یاس، شماره ۲۱، صص ۲۹۲-۳۱۱
- [۵] بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی؛ ۱ آذر ۱۳۷۹
- [۶] بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/>
- [۷] بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه کیهان، ۱۳۷۹/۸/۲۹
- [۸] دارابی، علی (۱۳۹۱). مردم سالاری دینی و نسبت آن با توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۸۹-۶۱
- [۹] فیاض، سیدعلی (۱۳۸۸). مردم سالاری دینی، گفتمان رهبر انقلاب اسلامی، کتاب نقد، شماره ۲۰، صص ۴۰-۴۹
- [10] Hamilton, Richard (1966). The Marginal Middle Class: A Reconsideration, American Sociological Review, Vol 31
- [۱۱] بیل، جیمز آلن (۱۳۸۷). سیاست در ایران گروه‌ها، طبقات و نوسازی، ترجمه علی مرشدی زاده: نشر اختران
- [۱۲] فوزی، یحیی، رضائی، ملیحه (۱۳۸۸). طبقه متوسط جدید و تاثیرات آن در تحولات سیاسی بعد از انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۱-۲۸
- [۱۳] وینسنت، اندرو (۱۳۸۹). نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه: نشر نی
- [۱۴] یوسفی، علی (۱۳۸۱). تاملی در مفهوم مشروعیت سیاسی، واریسی مدل نظری مشروعیت، دانشور، سال ۹، شماره ۳۹، صص ۱۱۹-۱۳۴
- [15] Beetham, David (2013). The Legitimation of Power, Palgrave
- [۱۶] عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸). چالش‌های سیاسی پیش روی انقلاب اسلامی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- [۱۷] میرموسوی، سیدعلی (۱۳۸۴). اسلام سنت دولت مدرن نوسازی دولت و تحول در اندیشه سیاسی معاصر شیعه: نشر نی
- [۱۸] یوسفی، علی (۱۳۸۱). تاملی در مفهوم مشروعیت سیاسی، واریسی مدل نظری مشروعیت، دانشور، سال ۹، شماره ۳۹، صص ۱۱۹-۱۳۴
- [۱۹] عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸). چالش‌های سیاسی پیش روی انقلاب اسلامی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- [۲۰] کرامت، فرهاد (۱۳۹۳). عناصر مشروعیت یابی در نظام‌های سیاسی و مردم سالاری دینی، فصلنامه راهبرد، سال ۲۳، شماره ۷۲، صص ۹۹-۱۱۹
- [۲۱] فاضل، ابوتراب (۱۳۸۷). ریشه‌یابی مهم‌ترین چالش‌های انقلاب اسلامی ایران در دهه سوم، پژوهشنامه متین، شماره ۳۰۴، صص

- [۲۲] مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۳). طبقه متوسط در ایران، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر ایران، سال سوم، شماره ۲۴، صص ۲۲-۲۶
- [۲۳] حسین زاده، فهیمه (۱۳۸۶). جنبش‌های نوین؛ تهدید یا فرصت، مجله سیاست، سال اول، شماره ۲، صص ۶۷-۹۵
- [۲۴] بیتام، دیوید (۱۳۸۸). مشروعیت سیاسی، راهنمای جامعه شناسی سیاسی، جلد اول، ویراسته کیت نش و آلن اسکات، انتشارات: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- [۲۵] دلاپورتا، دوناتلا، دیانی، ماریو (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی: انتشارات کویر
- [۲۶] عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳). بنیادهای علم سیاست: نشر نی